


Translation as a Multifaceted Concept in the Iranian Copyright System

Pejman Mohammadi¹  | Hadi Tahmasebzadeh² 

1. Professor, Department of Intellectual Property Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, (Corresponding Author) p.mohamadi@modares.ac.ir
2. M.A Graduate in Intellectual Property Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. hadi.tahmasebzadeh@modares.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article type: Scientific Article</p> <hr/> <p>Received: 2025/09/23</p> <p>Received in revised form: 2025/11/05</p> <p>Accepted: 2026/02/07</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Translated Work, Right of Translation, Translator's Rights, Author's Right</i></p>	<p>Translation constitutes a bridge between people from different territories. Accordingly, there is no doubt as to the importance of this phenomenon. Various disciplines approach translation from diverse perspectives and seek to promote it. Law also protects translation in the copyright system as one of the exclusive rights of the author of the work original work subject to translation, and as a derivative work that carries rights for the translator. In this regard, authors of literary works are granted the right of translation, enabling them either to translate their works into a language of their choice or to authorize translators to create translated works. Iranian law has likewise addressed the issue of translation. Initially, in 1969, the Protection of the Rights of Authors, Composers, and Artists Act was enacted, followed by the Translation and Reproduction of Books, Periodicals, and Audio Works Act, both of which contain provisions relating to translation. The provisions of these two statutes are not entirely identical, and according to certain viewpoints, this divergence has resulted in a duality of regulations concerning the subject matter, manner, and legal basis of protection afforded to translation. Therefore, in the study, we seek to examine the legal regime governing translation in Iranian law, both as an exclusive right of the author of the original work and as a protected work in its own right. Through a review of library-based sources and by employing a descriptive-analytical method, the study concludes that the 1969 Act constitutes the general statute governing the right of translation and translated works, whereas the 1972 Act does not introduce any substantially novel rules concerning the right of translation and contains only limited provisions regarding translated works. The latter statute merely affords protection to translated works in specific situations where such protection is not provided under the 1969 Act. Consequently, the divergence between the provisions of these two statutes does not, in practice, give rise to a conflict between them.</p>
How To Cite	Mohammadi, Pejman, Tahmasebzadeh, Hadi. (2026). Translation as a Multifaceted Concept in the Iranian Copyright System. <i>Journal of Judgment</i> , 124(4), 34-61. http://doi.org/10.22034/judg.2026.2072573.1598
DOI	10.22034/judg.2026.2072573.1598
	©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.
Publisher	Publications of the Judiciary of Tehran Province

ترجمه؛ مفهومی چند چهره در نظام حقوق مؤلف ایران

پژمان محمدی^۱ | هادی طهماسب‌زاده^۲

۱. استادگروه حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: p.mohamadi@modares.ac.ir
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: hadi.tahmasebzadeh@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	ترجمه پل ارتباطی مردم سرزمین‌های مختلف است. از این رو، هیچ شکی در اهمیت این پدیده نیست. علوم گوناگون از دیدگاه‌های مختلف به مقوله ترجمه توجه دارند و به دنبال گسترش آن هستند. دانش حقوق نیز در نظام حقوق مؤلف هم‌زمان از ترجمه به‌منزله یکی از حقوق انحصاری پدیدآورنده اثر مورد ترجمه و یک اثر مرکب که حقوقی برای مترجم به همراه دارد، حمایت می‌کند. در این راستا، به پدیدآورندگان آثار ادبی حق ترجمه اعطا می‌شود تا مشخصاً اثر خود را به زبان دلخواه ترجمه کنند یا اجازه خلق اثر ترجمه‌ای را به مترجمان بدهند. در حقوق ایران نیز به موضوع ترجمه، توجه شده است. ابتدا در سال ۱۳۴۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و سپس در سال ۱۳۵۲ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، به تصویب رسید که هر دو قانون، مقرراتی در خصوص ترجمه دارند. احکام این دو قانون کاملاً یکسان نیست و همین امر طبق برخی دیدگاه‌ها، دوگانگی مقررات در موضوع، چگونگی و مبنای قانونی حمایت از ترجمه را موجب شده است. از این رو، در این پژوهش به دنبال بررسی نظام حقوقی ترجمه به‌مثابه حق انحصاری پدیدآورنده اثر مورد ترجمه و ترجمه به‌عنوان اثر، در حقوق ایران هستیم. با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی به این نتیجه می‌رسیم که قانون ۱۳۴۸، قانون عام در زمینه حق ترجمه و اثر ترجمه‌ای است و قانون ۱۳۵۲، حکم چندان تازه‌ای در مورد حق ترجمه ندارد و دربردارنده احکام کمی در زمینه اثر ترجمه‌ای است و صرفاً در فروض خاصی که قانون ۱۳۴۸ از اثر ترجمه‌ای حمایت نکند، این قانون از آن حمایت می‌کند. لذا دوگانگی احکام این قوانین، در عمل موجب تعارض آن‌ها نمی‌شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸	
کلیدواژه: اثر ترجمه‌ای، حق ترجمه، حقوق مترجم، حق مؤلف.	
استناد	محمدی، پژمان، طهماسب‌زاده، هادی. (۱۴۰۴). ترجمه؛ مفهومی چند چهره در نظام حقوق مؤلف ایران، فصلنامه قضاوت، ۲۴(۴)، ۳۴-۶۱.
DOI	http://doi.org/0.22034/judg.2026.2072573.1598
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران

[10.22034/judg.2026.2072573.1598](http://doi.org/0.22034/judg.2026.2072573.1598)

مقدمه

در ابتدای پیدایش حقوق مؤلف، آثار ادبی در داخل مرزهای سرزمینی مورد حمایت بودند و این حمایت معمولاً در برابر نسخه‌های مشابه اثر (حق تکثیر) بود. با این حال، با گذر زمان، آثار ادبی به خارج از مرزهای سرزمین‌ها راه یافتند و در خارج، نخست ترجمه و سپس تکثیر می‌شدند. بنابراین به علت حمایت بین‌المللی از آثار، نیاز به شناسایی حق ترجمه احساس شد و اگر بگوییم حق انحصاری ترجمه یکی از مهم‌ترین عوامل محرک دولت‌ها برای تصویب «کنوانسیون برن»^۱ بوده است، اغراق نکرده‌ایم (Tong, 2020: 243; Ricketson, 1987: 384). از این رو، به تدریج حمایت در برابر نسخه‌هایی که ظاهرشان با نسخه اصلی اثر متفاوت است، گسترش پیدا کرد که یکی از انواع این نسخه‌ها، ترجمه اثر بود. به مرور زمان، این شیوه نسخه‌برداری از اثر، خود با شرایطی به اثر مورد حمایت تبدیل شد (Goldestin, 1982: 209). لذا، «ترجمه» در متون حقوق مالکیت ادبی و هنری در دو معنا استعمال می‌شود: حق ترجمه و اثر ترجمه‌ای. حق ترجمه در زمره حقوق مالی پدیدآورنده است که می‌تواند شخصاً از آن بهره‌برداری کند و یا در قالب قرارداد، اجازه بهره‌برداری از آن را به اشخاص متخصص که اصطلاحاً «مترجم» نام دارند، اعطا کند. نتیجه بهره‌برداری در هر دو حالت خلق اثر ترجمه‌ای است. با خلق اثر ترجمه‌ای، حقوق انحصاری تقریباً مشابه حقوقی که برای پدیدآورنده شناسایی شده است، به مترجم تعلق می‌گیرد. بنابراین، ترجمه به‌عنوان حق و ترجمه به‌عنوان اثر، دو دارایی برای دو شخص متفاوت، یعنی پدیدآورنده اثر اصلی و پدیدآورنده اثر ترجمه‌ای (مترجم) هستند و باید هنگام خوانش و تفسیر قانون توجه داشت که ترجمه در کدام معنا به کار رفته است.

با وجود اینکه ایران هنوز به کنوانسیون‌های حمایت از حقوق مؤلف از جمله کنوانسیون برن، نپیوسته است، اما از زمان پیدایش نظام قانون‌گذاری، مقوله ترجمه اهمیت داشته است؛ به‌گونه‌ای که در عنوان بسیاری از طرح‌ها و لوایحی که برای تصویب قانون حقوق مؤلف به مجلس تقدیم می‌شد، واژه «ترجمه» آمده بود.^۲ اولین و مهم‌ترین قانون جامعی که در زمینه حقوق مؤلف تصویب شد، قانون «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸» بود.^۳ در این قانون دو بار واژه ترجمه به کار رفته است. در بند ۵ ماده ۵ به مقوله ترجمه به‌منزله یکی از حقوق مالی پدیدآورنده توجه شده است و آنچه طبق این ماده مسلم است، لزوم اجازه از پدیدآورنده اثر اصلی برای ترجمه اثر او

1. Berne Convention.

۲. مانند «طرح حفظ حق تألیف و ترجمه» یا «لایحه تألیف و ترجمه» که اولی در سال ۱۳۳۴ و دومی در سال ۱۳۳۶ به مجلس تقدیم شدند که بی‌نتیجه بود.

۳. در این پژوهش به اختصار قانون ۱۳۴۸ نامیده می‌شود.

است. در ماده ۲۴ نیز از اثر ترجمه‌ای حمایت کیفری شده و نقض آن در مواردی جرم و مستوجب مجازات است. اما در خصوص اینکه اثر ترجمه‌ای نیز اصالت دارد و مورد حمایت مدنی قانون‌گذار در سال ۱۳۴۸ است یا خیر، صراحتی به اندازه حق ترجمه دیده نمی‌شود. به همین دلیل، در سال ۱۳۵۲ قانون «ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی»^۱ به تصویب رسید که صراحتاً ترجمه را به عنوان اثر و مترجم را به عنوان صاحب حق به رسمیت می‌شناسد (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۱۶). نظر به اینکه از واژه «ترجمه» در هر دو قانون استفاده شده است، این چالش مطرح می‌شود که نظام حقوقی حاکم بر ترجمه مطابق کدام قانون است؟ با توجه به ماده ۱۱ قانون ۱۳۵۲ که مقرر می‌دارد: «مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را نفی نمی‌کند و محدود نمی‌سازد»، به این امر پی می‌بریم که قانون ۱۳۵۲ در صدد بیان حمایت تکمیلی از آثار است و رابطه نسخ و منسوخ (حتی جزئی) و تخصیص (عام و خاص) بین این دو قانون مشاهده نمی‌شود و بنابراین، چالش جمع احکام این دو قانون در زمینه ترجمه بیشتر می‌شود. همچنین، در سال ۱۳۸۲ قانون تجارت الکترونیک تصویب شد که مقرراتی راجع به حقوق مؤلف دارد، بی‌آنکه به صراحت از حق ترجمه یا آثار ترجمه‌ای نام برده باشد. به رغم اقتضائات خاص محیط الکترونیکی و نیاز به حمایت‌های مجزا در این مورد، این قانون به قوانین سابق که برای حمایت از حقوق مؤلف در محیط سنتی کارایی دارد، ارجاع داده است.^۲

در ایران هیچ پژوهشی که مستقلاً در مورد مقوله نظام حقوقی ترجمه به کار رفته باشد، یافت نمی‌شود. از پژوهش‌های معدود پژوهشگرانی که مستقیماً ناظر به ترجمه نیستند طوری برداشت می‌شود که گویی اثر ترجمه‌ای صرفاً در قانون ۱۳۵۲ شناسایی شده است (صاحب، ۱۴۰۳: ۲۸۰؛ میرحسینی، ۱۴۰۰: ۲۶۶؛ امامی، ۱۴۰۱: ۲۶۰-۲۷۰) و قانون ۱۳۴۸ صرفاً از حق ترجمه پدیدآورنده اثر اصلی حمایت می‌کند. بر اساس این دیدگاه، این دو قانون موضوعاً متفاوت با یکدیگرند. از جمله دلایلی که برای این‌گونه استدلال به ذهن می‌رسد این است که هدف قانون ۱۳۵۲ تکمیل نواقص قانون ۱۳۴۸ و شناسایی احکامی است که در آن قانون نبوده است؛ پس اگر قانون ۱۳۴۸ را

۱. در این پژوهش به اختصار قانون ۱۳۵۲ نامیده می‌شود.

۲. در لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط نیز به شیوه‌ای منسجم و قاعده‌مند به ترجمه به عنوان حق مالی و اثری اشتقاقی اشاره شده است. از جمله محاسن آن، تدوین گفتاری جداگانه با عنوان «ترجمه اثر» برای موضوع ترجمه است. در این گفتار، به زبان ترجمه، مدت و نحوه مجوزگرفتن از پدیدآورنده اشاره شده است که در قوانین فعلی ذکر نشده است. در سایر موارد نیز، اگرچه تغییر فراوانی نسبت به مقررات سابق مشاهده نمی‌شود، صراحت و نظم منطقی در تدوین مواد دیده می‌شود. افزون بر این، مهم‌ترین پیامد تصویب این لایحه، نسخ قوانین ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ است که موجب دوگانگی قوانین در حوزه ترجمه و سردرگمی در مطالعات نظری این حیطه هستند. در نتیجه، با متن قانونی واحدی مواجه خواهیم بود. در هر حال، بررسی این لایحه که هنوز تصویب نشده است، موضوع پژوهش حاضر نیست.

حاکم بر ترجمه به عنوان اثر بدانیم، ماده ۱ قانون ۱۳۵۲ که دربردارنده شناسایی ترجمه به عنوان اثر است، زائد می‌شود، در حالی که قانون‌گذار طبق اصول حرف تکراری نمی‌زند. اما اگر این نظر را بپذیریم، همچنان چالش جمع احکام این دو قانون وجود دارد، چراکه حداقل در حوزه ضمانت اجرای کیفری نقض اثر ترجمه‌ای، هر دو قانون صراحت دارند (مواد ۲۴ قانون ۱۳۴۸ و ۷ قانون ۱۳۵۲) و کماکان دوگانگی احکام باقی است.

بیان احکام حقوق ایران جز با تمایز میان حق ترجمه پدیدآورنده اثر اصلی و سپس ترجمه به عنوان اثر روشن نمی‌شود. از این رو، در این پژوهش، نظام حقوقی ترجمه در هر دو معنای حق ترجمه و اثر ترجمه‌ای بررسی می‌شود.

۱. ترجمه به عنوان حق

در این قسمت حق مالی ترجمه، ویژگی‌های این حق و ضمانت اجرای نقض آن را شناسایی و تحلیل می‌کنیم.

۱-۱. شناسایی حق مالی ترجمه

در بند ۵ ماده ۵ قانون ۱۳۴۸ حق ترجمه صراحتاً شناسایی شده است. با این حال، برخی بر این باورند در قانون ۱۳۵۲ طبق مفهوم مخالف ماده ۲ برای ترجمه اثر نیازی به اجازه نیست (آیتی، ۱۳۷۵: ۹۴. زرکلام، ۱۳۸۷: ۶۵)، چراکه گفته شده است: «تکثیر کتب و نشریات "به همان زبان" و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق افست یا عکس‌برداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق ممنوع است». با اینکه ماده یادشده مفهوم مخالفی ندارد و هدف این حکم، جلوگیری از تکثیر غیرمجاز کتاب‌ها و نشریات خارجی ایرانیان در ایران بوده است (هدفی که بدون پیوستن ایران به کنوانسیون برن حاصل می‌شود)، اما به این علت که قانون ۱۳۴۸ در ماده ۵، حق ترجمه را به عنوان یک حق مالی به رسمیت شناخته و قانون ۱۳۵۲ نیز برای رفع نقایص قانون پیشین و بدون قصد محدودکردن حقوق مقرر در آن وضع شده است، نمی‌توان پذیرفت که قانون‌گذار قصد از بین بردن حق ترجمه را داشته باشد.

قانون‌گذار با وضع این مقرر قصد داشته است از تکثیر غیرمجاز آثار ایرانیانی که برای اولین بار در خارج منتشر شده‌اند، جلوگیری کند، زیرا که در آن روزگار این امر مرسوم شده بود.^۱ این ماده به دنبال سوءاستفاده‌های برخی از اشخاص از ماده ۲۲ قانون ۱۳۴۸ تصویب شد (علوی، ۱۳۷۰:

۱. برای همین قانون‌گذار تأکید بر بهره‌برداری مادی از طریق افست یا عکس‌برداری یا طرق مشابه دارد؛ یعنی ابزاری که موجب گرفتن تعداد کپی فراوان در مدت زمان اندک می‌شود (محمدزاده و ادقانی، ۱۳۹۹: ۳۸۳).

۵۱۶-۵۱۵). در واقع، فلسفه وضع این ماده، گسترش معیار حمایت از آثار ادبی است. با این توضیح که در قانون ۱۳۴۸، مطابق با ماده ۲۲، معیار حمایت از حقوق مالی پدیدآورنده آثار ادبی در ایران از جمله حق ترجمه، «اولین انتشار یا بهره‌برداری در ایران» است. ماده ۲۲ مقرر کرده است: «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد». در ماده ۲ قانون ۱۳۵۲ در راستای حمایت از ایرانیانی که آثار خود را برای اولین بار در ایران منتشر نکرده‌اند، گفته شده است: «تکثیر کتب و نشریات... ممنوع است». یعنی معیار حمایت، در مورد این آثار اولین بهره‌برداری در ایران نیست، بلکه «تابعیت ایرانی» است و پدیدآورنده ایرانی مورد حمایت است، حتی اگر اثرش را برای اولین بار در ایران منتشر نکرده باشد. اما این ماده قیودی دارد که شامل این موارد است: صرفاً از حق تکثیر (نه هر حق)، صرفاً از کتب و نشریات (نه هر اثری)، صرفاً از نقض در برابر افست و عکس‌برداری و طرق مشابه (نه هر طریقی)، حمایت می‌شود. هر چند که این ماده صراحتاً از ایرانی بودن پدیدآورنده کتاب‌ها و نشریات یاد نکرده است (معیار تابعیت)، اما باید در نظر داشته باشیم که در ماده ۳ کنوانسیون برن سه معیار حمایت برقرار شده است که عبارت‌اند از اولین انتشار اثر در یکی از سرزمین‌های عضو معاهده، پدیدآورنده تابعیت یکی از کشورهای عضو را داشته باشد و یا سکونت پدیدآورنده در یکی از کشورهای عضو معاهده. معیار اولین انتشار در ماده ۲۲ قانون ۱۳۴۸ بود و در قانون ۱۳۵۲ معیار تابعیت افزوده شد تا مقررات حقوق مؤلف ایران مشابه با مقررات حقوق بین‌الملل مؤلف بشود که در صورت الحاق قریب‌الوقوع ایران به کنوانسیون برن، جامعه ایران آمادگی داشته باشد. همچنین، برخلاف اطلاق حکم، این ماده حمایت از اتباع بیگانه را در بر نمی‌گیرد (صادقی، ۱۳۸۹: ۴۳۱). خارجیان برای برخوردارگی از حمایت این قانون باید طبق ماده ۶ دولت متبوعشان با ایران عهدنامه متقابل داشته باشند و بنابراین، حمایت از آن‌ها بی‌قید و شرط نیست. ماده ۶ مقرر کرده است: «در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایت‌های مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است». بنابراین، حمایت ماده ۲ در نگاه اول برای ایرانیان و در صورت وجود عهدنامه متقابل، برای خارجیان نیز خواهد بود و بدین ترتیب کشور ایران بدون پیوستن به کنوانسیون برن، وجود معامله متقابل و عهدنامه دوجانبه را برای حمایت از حق تکثیر کتب‌ها و نشریات اتباع خارجی کافی دانسته است. اثر این حکم پذیرش ادامه روند معاهدات دوجانبه و تعهدات متقابل ایران در مقابل کشورهای متعاقد با خود بوده است.

با توجه به ماده ۱۱ این قانون که بر تکمیلی بودن آن نسبت به قانون پیشین دلالت دارد (نه ناسخ‌بودن) باید یادآور شد که اگر اثری برای اولین بار در ایران منتشر شده باشد، از تمامی جهات

مشمول حمایت قانون ۱۳۴۸ است (حتی در برابر تکثیر از طریق افسست و طرق مشابه) و قانون ۱۳۵۲ مجاللی برای حمایت پیدا نمی‌کند. فقط در صورتی که اثری برای اولین بار در ایران منتشر نشده باشد و پدیدآورنده آن هم ایرانی باشد، مورد حمایت ماده ۲ است، آن هم با قیودی که اشاره شد. در نتیجه، اگر اثری برای اولین بار در ایران بهره‌برداری نشده باشد (یعنی شرط قانون ۱۳۴۸ را نداشته باشد) و با معیارها و قیود مواد ۲ و ۶ قانون ۱۳۵۲ هم سازگار نباشد، در نظام حقوق مؤلف ایران حمایت نخواهد شد. از این رو، این برداشت که ماده ۲ قانون ۱۳۵۲ مفهوم مخالف دارد، علاوه بر آنکه معیار حمایت را گسترش نمی‌دهد، موجب سخت‌تر شدن معیار حداقلی مقرر در قانون پیشین نیز می‌شود!

خلاصه آنکه قانون ۱۳۴۸ از ترجمه به عنوان حق مالی پدیدآورنده در بند ۵ ماده ۵ خود حمایت کرده است. در مقابل قانون ۱۳۵۲ اساساً ناظر بر حق ترجمه نیست و صرفاً با گسترش معیارهای حمایتی قانون ۱۳۴۸، از حق تکثیر پدیدآورندگانی که آثار خود را برای اولین بار در ایران منتشر نکرده‌اند، با قیودی، حمایت کرده است.

در راستای شناسایی این حق در محیط الکترونیک، ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیک قابل تأمل است. در ابتدای این ماده به حق تکثیر، اجرا و توزیع اشاره شده است که اگر به صورت «داده پیام» باشند مورد حمایت خواهند بود. با این حال، تصریحی نسبت به حق ترجمه مشاهده نمی‌شود، اما در ادامه ماده آمده است: «حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری در بستر مبادلات الکترونیکی شامل... حق مؤلف... مشمول قوانین مذکور در این ماده خواهد بود...». بنابراین، با توجه به اینکه حق ترجمه یکی از جلوه‌های حقوق مؤلف است و این ماده نیز به مقررات پیشین ارجاع داده است، می‌توان بر این باور بود که از حق ترجمه در محیط الکترونیک حمایت می‌شود، اما نحوه حمایت تفاوتی با محیط سنتی ندارد.

۱-۲. ویژگی‌های حق ترجمه

حق ترجمه چند ویژگی مشترک با سایر حقوق و چند ویژگی متمایز دارد:

۱-۲-۱. مالی بودن

مالی بودن مهم‌ترین ویژگی حق ترجمه است که در قوانین ما با عنوان «حق مادی» ذکر شده است. از نظر ما با توجه به مالیت داشتن این حق، بهتر است از عبارت «حق مالی» استفاده کنیم که ماهیت اساسی این حق را نمایان می‌کند. حقوق مالی از امتیازات انحصاری و با ارزش اقتصادی است که پدیدآورنده برای برخورداری از اثر خود در مدت مورد حمایت از آن بهره‌مند است. برگرداندن

یک اثر از زبان اصلی به زبان‌های دیگر موجب گسترش بازار آن می‌شود و در نتیجه پدیدآورنده همان‌گونه که نسبت به اثر اصلی حق دارد، باید نسبت به ترجمه آن نیز حق داشته باشد (صادقی نشاط، ۱۳۸۹: ۱۳۲). از نتایج مالی بودن حق ترجمه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف. قراردادپذیری

پدیدآورنده بیش از هرکس آگاه به منظور خویش است و برای ترجمه اثرش، بر هر مترجمی اولویت دارد (آموزگار، ۱۳۸۳: ۱۳۹-۱۴۰). اما در بیشتر مواقع پدیدآورنده یا نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد شخصاً اثرش را ترجمه کند. در نتیجه، از آنجایی که ترجمه کاری دشوار است و هرکسی نمی‌تواند به نحو شایسته‌ای آن را انجام دهد، حق طبیعی پدیدآورنده اثر است که در مورد انتخاب مترجمی شایسته، تصمیم‌گیری کند؛ به‌ویژه اینکه گاهی ترجمه غیردقیق از اثری موجب انحراف متن مزبور از مسیر اصلی و تحریف اثر می‌شود (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۴: ۱۴۳). ابزار اصلی مجوزدادن هم قرارداد است. در صدر ماده ۵ هم صراحتاً به قراردادپذیری حقوق مالی پدیدآورنده اشاره شده و در بند ۵ همان ماده، ترجمه به‌منزله یکی از این حقوق مالی شناسایی شده است؛ البته هیچ معنی وجود ندارد که پدیدآورنده، مجوز رایگان حق ترجمه بدهد.

ب. موقتی‌بودن

به علت نیاز جامعه به آثار، به‌ویژه آثار علمی، راهکارهای گوناگونی از سوی قانون‌گذاران برای کاهش انحصار پدیدآورندگان پیش‌بینی شده است. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های انحصار حقوق مالی آثار ادبی و هنری، موقتی‌بودن حمایت از آن‌ها است. اما در ایران تفاوتی میان حق ترجمه با سایر حقوق از لحاظ مدت حمایت وجود ندارد؛ حمایت از حق ترجمه، مانند سایر حقوق تا ۵۰ سال پس از فوت پدیدآورنده ادامه دارد، مگر در مورد آثار ادبی که مدت حمایت از حقوق مالی آن‌ها کمتر است. برای نمونه آثار سینمایی و آثار متعلق به شخص حقوقی در ایران (ماده ۱۶ صرف نظر از اشکالات زیربنایی این حکم) و ترجمه متن برنامه در نرم‌افزارهای رایانه‌ای که معمولاً برای مدت ۳۰ سال حمایت می‌شوند.

ج. حمایت سرزمینی

این ویژگی نیز در راستای کاهش انحصار پدیدآورندگان و به سود جامعه وضع شده است. اگرچه که بیشتر کشورها به کنوانسیون برن پیوسته‌اند و ملزم به حمایت فراسرزمینی از آثارند، در ایران هنوز حمایت‌ها محدود به سرزمین ایران است. در بخش‌های قبل گفته شد که معیار حمایت در قانون

۱۳۴۸ اولین بهره‌برداری در ایران است. در قانون ۱۳۵۲ هم هرچند دامنهٔ حمایت گسترده شده است، این گسترش صرفاً ناظر به حق تکثیر است. بنابراین از حق ترجمه هنگامی در ایران حمایت می‌شود که اثر برای اولین بار در ایران منتشر شده باشد. از آنجا که بیشتر آثار پدیدآورندگان خارجی نخستین انتشارشان در ایران نیست و در نتیجه تحت حمایت قوانین ایران قرار نمی‌گیرند، ترجمهٔ این آثار برای مترجمان ایرانی آزاد است؛ به همین دلیل نیز حجم چشمگیری از آثار ترجمه شده در کشور وجود دارد. بر همین اساس، ترجمهٔ این آثار نقض حق مؤلف محسوب نمی‌شود. در این راستا، هرچند پدیدآورندگان خارجی بارها نسبت به این وضعیت در ایران اعتراض کرده‌اند، اما به سبب نبود حمایت قانونی از آثارشان، بی‌نتیجه مانده است.^۱

در پایان باید اشاره کرد که مالی بودن حق ترجمه، مانند هر مالی، قابلیت انتقال قهری و قراردادی و قابلیت توقیف از سوی طلبکاران پدیدآورنده و وصول بدهی‌های وی از آن محل را نیز به دنبال دارد.

۱-۲-۲. اختصاص به آثار ادبی

مقصود از آثار ادبی، آثاری است که شکل بیان آن‌ها در قالب الفاظ و کلمات است. بنابراین، روشن است که عمل ترجمه به آثار ادبی اختصاص دارد و این حق هم باید نسبت به این آثار شناسایی شود، مانند کتاب‌ها و زبان برنامه نرم‌افزارها.^۲ آثاری نیز وجود دارند که تلفیقی از آثار ادبی و هنری هستند، همچون آثار سمعی و بصری. حق ترجمه نسبت به بخش ادبی این آثار قابل تصور است، مانند ترجمهٔ دیالوگ‌های فیلم‌ها و سریال‌ها.

۱-۲-۳. جدایی و استقلال از حق تکثیر

در نظام‌های ملی، در شناسایی حق ترجمه به دو روش عمل کرده‌اند: یا حق تکثیر را صراحتاً ذکر کرده‌اند و هر آنچه جلوه‌ای از این حق باشد زیرمجموعهٔ آن قلمداد کرده‌اند، مانند ترجمه به زبانی

۱. از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به اعتراض سایمون کوپر، نویسندهٔ کتاب فوتبال علیه دشمن و پائولو کوئلیو، نویسندهٔ برزیلی، نسبت به ترجمهٔ آثارشان در ایران اشاره کرد.

۲. در مادهٔ ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای آمده است: «حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به پدیدآورندهٔ آن است...». اگرچه در این ماده صراحتاً از حق ترجمه نام برده نشده است، کاملاً واضح است که این حق، جلوه‌ای از حق بهره‌برداری مادی یادشده در این ماده است. همچنین، در مادهٔ ۵ این‌نامهٔ این قانون مقرر شده است: «حقوق مادی نرم‌افزار رایانه‌ای بدون اینکه منحصر به مصادیق زیر باشد عبارت است از حق استفادهٔ شخصی، حق نشر، حق عرضه، حق اجرا، حق تکثیر و هرگونه بهره‌برداری اقتصادی...».

دیگر که جلوه‌ای از تکثیر است، یا اینکه حق ترجمه را به صراحت و جدا از حق تکثیر شناسایی کرده و احکام متفاوتی بر آن بار کرده‌اند (Eropeun Commission, 2014: 85). آثار عملی استقلال حق ترجمه از حق تکثیر یا وابستگی به آن فراوان است. در واقع، اگر حق ترجمه جلوه‌ای از حق تکثیر باشد، تمام احکام حق تکثیر را باید بر آن بار کنیم.

در حقوق ایران این حق صراحتاً مستقل از حق تکثیر در بند ۵ ماده ۵ شناسایی شده است و بسیاری از مقررات حقوق مؤلف نظیر اصل لزوم تفسیر قراردادها به نفع مؤلف، استثنائات حقوق انحصاری و ضمانت اجرای کیفری آن‌ها، اقتضا می‌کند آن‌ها را جدا از هم بدانیم و مقررات تکثیر را به ترجمه تسری ندهیم.

۱-۲-۴. تکرارپذیری

اعطای حق ترجمه در مدت حمایت از آن، از لحاظ زبان مورد نظر هیچ محدودیتی ندارد و پدیدآورنده می‌تواند حتی برای بازگرداندن اثر خود به یک زبان، با افراد متعدد قرارداد منعقد کند یا اثر را به هر زبانی که بخواهد برگرداند. روشن است قراردادها وسیله‌ای برای محدود کردن این حق‌اند.

۱-۳. ضمانت اجرای نقض حق ترجمه

حق ترجمه پدیدآورنده اثر اصلی، با شیوه‌های گوناگون تضمین و حمایت می‌شود:

۱-۳-۱. حمایت کیفری

قانون‌گذار همواره به مقوله حقوق مؤلف دید کیفری داشته است؛ به گونه‌ای که اولین مقررات حمایت از حقوق مؤلف در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰، در مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ آمده بود! اما در آن قانون نقض حق ترجمه جرم‌انگاری نشده بود. پس از تصویب قانون ۱۳۴۸، و در پی آن ملغی شدن مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون مجازات عمومی، فصل مجزایی با عنوان «تخلفات و مجازات‌ها» در قانون ۱۳۴۸ به مقوله نقض کیفری اختصاص پیدا کرد. ماده ۲۳ قانون ۱۳۴۸ درباره نقض حقوق مادی است، اما صحبتی از حق ترجمه نکرده است. مطابق ماده ۲۳ این قانون صرفاً نشر یا پخش یا عرضه اثر بدون اجازه پدیدآورنده جرم‌انگاری شده است، مگر اینکه نشر را شامل حال ترجمه نیز بدانیم. با این حال، تفسیر مضیق و به نفع متهم، تاب چنین برداشتی را ندارد. برخی آرای دادگاه‌ها نیز مؤید همین نظر است. در دادنامه ۱۷۱۱/۲۳۳۸۰۹۹۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۹ صادره از شعبه ۳۸ دادگاه عمومی کیفری تجدیدنظر استان تهران^۱ ضمن تأیید دادنامه بدوی، عنوان

۱. دسترسی پذیر در: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/1401>

شده است که «ترجمه آثار دیگران بدون اجازه از آنها فاقد وصف کیفی است، چراکه در ماده ۲۳ اشاره‌ای به ترجمه نشده است». در ماده ۷۴ قانون تجارت الکترونیک نیز صرفاً به تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) به مثابه اشکال مجرمانه نقض حقوق مؤلف در بستر مبادلات الکترونیکی اشاره شده است. در نتیجه، این قانون از حیث جرم‌انگاری نکردن نقض حق ترجمه به سیاست کیفری قانون ۱۳۴۸ پایبند بوده است. بنابراین، حتی اگر شخصی عالماً و عامداً حق ترجمه دیگری را نقض کند، به علت عدم جرم‌انگاری چنین عملی در حقوق ایران، صرفاً با ضمانت اجرای حقوقی مواجه می‌شود.

۱-۳-۲. حمایت حقوقی

فصل مجزایی در قانون ۱۳۴۸ به ضمانت اجرای حقوقی اختصاص پیدا نکرده است و در فصل تخلفات و مجازات‌ها، در مواد ۲۷ تا ۲۹ به ضمانت اجرای حقوقی اشارات مختصری شده است. گویی در نظر تدوین‌کنندگان این قانون، کارایی این امر به مراتب کمتر از ضمانت اجرای کیفری است (شیخی، ۱۳۸۴: ۱۸۶). ضمانت اجرای حقوقی را می‌توان به دو دسته پیشینی و پسینی تقسیم کرد. منظور از پیشینی ضمانت اجراهایی است که از ورود خسارت به پدیدآورنده یا صاحب حق جلوگیری می‌کند و پیش از ورود خسارت اجرا می‌شود، مانند جمع‌آوری کتاب‌هایی که بدون رضایت مؤلف ترجمه شده‌اند از بازار یا دسترسی عموم. منظور از ضمانت اجرای پسینی جبران خسارت وارده به مؤلف است. بنابراین، نقض مدنی به دو صورت «صرف نقض» قابل تصور است، یعنی انجام اعمالی که در انحصار پدیدآورنده است، از جمله ترجمه و «نقض با ورود ضرر». البته در فرض اخیر باید رابطه سببیت میان نقض (فعل زیان‌بار) و ورود ضرر وجود داشته باشد و اثبات شود. ماده ۲۹ مقرر کرده است: «مراجع قضایی می‌تواند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر یا پخش یا عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند». در این باره دو نکته یادآوری می‌شود: نخست اینکه، با توجه به عبارت «شکایت شاکی»، «ضبط اموال» و «ضابطین دادگستری» این ماده ناظر به دعاوی جزایی است، اما از ملاک این ماده می‌توان برای دعاوی صرفاً حقوقی نیز استفاده کرد. دوم آنکه، توقیف آثار ناقض حق، مانند آثاری که بدون اجازه ترجمه شده‌اند، در هر مرحله‌ای از نقض اعم از اینکه خسارتی وارد شده باشد یا خیر، انجام‌شدنی است. از این رو، حتی در مرحله ورود ضرر و به مثابه حکم نهایی دادگاه (نه دستور موقت)، می‌توان چنین کرد، زیرا از بین بردن منشأ ضرر خود نیز نوعی جبران خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۵۳۰-۵۳۱).

ماده ۲۸ قانون ۱۳۴۸ در فرض ارتکاب جرم از سوی شخص حقوقی، خسارت شاکی خصوصی

را از اموال شخص حقوقی قابل مطالبه می‌داند و در صورتی که دارایی شخص حقوقی برای جبران خسارت کافی نباشد، مابه‌التفاوت از اموال شخص حقیقی‌ای که تصمیم او به ارتکاب جرم انجامیده است، جبران خواهد شد. در سایر فروض نیز باید به قواعد عام مسئولیت مدنی رجوع کرد.

۲. ترجمه به‌عنوان اثری مرکب

با توجه به اینکه ترجمه معمولاً مستلزم مجوز از اثر پیشین است، و با این کار هزینه‌های هنگفتی برعهده مترجم قرار می‌گیرد، خود ترجمه را نوعی اثر مورد حمایت حقوق مؤلف تلقی کرده‌اند (Talagala, 2021: 17) تا مترجمان انگیزه کافی برای ترجمه‌کردن داشته باشند.

در خصوص اینکه یک ترجمه تحت چه شرایطی «اثر» محسوب می‌شود، هیچ حکم مشخصی در حقوق ایران وجود ندارد. بنابراین ناگزیر باید همان شرایط عمومی‌ای را که برای شناسایی آثار در نظر گرفته می‌شود، درباره ترجمه نیز اعمال کنیم. در نتیجه، صرف اصالت‌داشتن و اینکه اثر به شکلی از عالم ذهن بروز کرده باشد (ماده ۱ قانون ۱۳۴۸)، کافی است. بنابراین مقولاتی مانند حجم ترجمه، موضوع ترجمه، هدف از ترجمه و موارد مشابه در این راستا بی‌تأثیر است. با این حال، ترجمه‌ها ویژگی‌هایی متمایز از سایر آثار دارند که باید در این بخش به آن‌ها اشاره شود. سپس نبود ملازمه میان اثر ترجمه‌ای با منبع اصلی، جایگاه اثر ترجمه‌ای در حقوق ایران و نیز اختلافات موجود در قوانین ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ در زمینه آثار ترجمه‌ای را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. ویژگی‌های اثر ترجمه‌ای

اثر ترجمه‌ای چند ویژگی متمایز دارد:

۲-۱-۱. مرکب بودن

اثر مرکب یا اشتقاقی در برابر اثر ساده قرار می‌گیرد. در این معنا، اثر مرکب اثری است که با استفاده از آثار از پیش موجود، خلق می‌شود. بی‌تردید دانش ما مبتنی بر یافته‌ها و دستاوردهای پیشینیان است و بنابراین استفاده از آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است (محمدی، ۱۳۸۸: ۳۸). اما در حوزه آثار مرکب، این بهره‌گیری و استفاده، چه به صورت کمی و چه به صورت کیفی، بیشتر از آثار ساده است و آن‌چنان گستره‌ای از نقل دارد که فراتر از چهارچوب استثنای نقل کوتاه است (کرنو و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۲). در هر حال، این‌ها آثاری‌اند که باید از آثار پیشین استفاده کنند تا خلق شوند. از جمله مهم‌ترین آثار مرکب که در کنوانسیون برن تصریح شده و در حقوق ایران بدون اینکه به مرکب بودن آن‌ها اشاره شود، مورد توجه قرار گرفته است، اقتباس‌ها، ترجمه‌ها و گلچین‌ها هستند (محمدی، ۱۴۰۲).

وابستگی این آثار به آثار پیشین نباید این شبهه را ایجاد کند که این آثار، خلاقیت و اصالت ندارند و در نتیجه نباید مورد حمایت باشند. خلاقیت مترجم در برگزیدن واژه‌ها، چینش کلمات و روان‌سازی جملات است (Tong, 2020: 251). در عمل دیده می‌شود که از یک اثر، چندین ترجمه موجود است، اما استقبال جامعه نسبت به یکی از آن‌ها بیش از سایر ترجمه‌ها است. همین موضوع نشان‌دهنده خلاقیت مترجم و اصالت اثر ترجمه‌ای است. حمایت حقوق مؤلف فقط شامل بیان محتوا نمی‌شود، بلکه شکل بیان، مثلاً زبان، نیز اهمیت دارد و حمایت می‌شود. از این رو، ترجمه یک اثر، بیان نویسنده اصلی قلمداد نمی‌شود، هر چند محتوای ترجمه و اثر ترجمه‌شده یکسان باشد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸۴). اصالت ترجمه نیز، دقیقاً اصالت در شکل بیان است، نه محتوا و کاملاً واضح است که مترجم می‌کوشد تا حد امکان در در بیان محتوا به اثر اصلی وفادار بماند (گرباود، ۱۳۸۰: ۶۷). حتی گفته شده است خلاقیت‌هایی در برخی ترجمه‌ها مشاهده می‌شود که منبع اصلی فاقد آن بوده است (Troussel and Debussche, 2014: 100). ابتکار برخی مترجمان به قدری چشمگیر است که با وجود پیشرفت فناوری در دنیای کنونی، هنوز ترجمه‌های ماشینی نتوانسته‌اند کاملاً جایگزین خلاقیت مترجمان انسانی شوند.

۲-۱-۲. متفاوت بودن حقوق نسبت به اثر مورد ترجمه

طبق قاعده‌ای کلی پذیرفته شده است که اصالت آثار ترجمه‌ای نسبی است. از نتایج نسبی بودن اصالت و کم‌رنگ بودن خلاقیت مترجم می‌توان به حمایت متفاوت از اثر ترجمه‌ای اشاره کرد. با توجه به آنکه اثر ترجمه‌ای صرفاً با استفاده از اثر پیشین خلق می‌شود، بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون برن تأکید کرده است که حمایت از آن باید با ملاحظه لطمه‌زدن به حقوق صاحب اثر اصلی صورت بگیرد. بنابراین، در مقایسه بین حقوق پدیدآورنده اثر اصلی با حقوق پدیدآورنده اثر ترجمه‌ای، می‌بینیم که حقوق آن‌ها یکی نیست. همین مسئله در ظاهر قوانین ایران نیز دیده می‌شود، مانند اینکه در قانون ۱۳۴۸ ضمانت اجرای نقض اثر ترجمه‌ای جدا از سایر آثار ذکر شده است (مواد ۲۳ و ۲۴) یا اینکه در قانون ۱۳۵۲ حقوقی برای مترجم ذکر شده است که در مقایسه با حقوق پدیدآورنده اثر اصلی در قانون ۱۳۴۸، متفاوت است.

این موضوع از جمله دلایلی است که بسیاری از حقوق‌دانان ایرانی را به این دیدگاه سوق داده است که حمایت‌های قانون ۱۳۴۸، که از حیث حقوق و مدت حمایت گستره بیشتری نسبت به قانون ۱۳۵۲ دارد، نسبت به ترجمه، تسری نمی‌یابد. در این پژوهش با این دیدگاه مخالفت می‌شود و در ادامه علت این مخالفت را بررسی خواهیم کرد.

۲-۲. عدم ملازمه تحقق و بقای حمایت از اثر ترجمه‌ای با وجود اثر مورد ترجمه

اگرچه پذیرفته شده است حقوق مترجم از حقوق پدیدآورنده اثر اصلی متفاوت است (Bently and Sherman, 2001: 86)، اما این دو بر هم، اثر می‌گذارند. در مواردی، حق ترجمه در وضعیتی قرار دارد که برای ترجمه کردن باید از صاحب حق مجوز دریافت شود و در برخی موارد چنین مجوزی نیاز نیست. در هر حال، آنچه اهمیت دارد این است که برای ایجاد اثر ترجمه‌ای، صرفاً در مرحله آغازین، کسب اجازه از پدیدآورنده اثر اصلی ضروری است. اما پس از خلق اثر ترجمه‌ای، برای تداوم حمایت از ترجمه یا بهره‌برداری از آن، لازم نیست که حق ترجمه همچنان به‌طور هم‌زمان برای پدیدآورنده اثر اصلی برقرار باشد. به عبارت دیگر، مجوز بعضاً شرط ایجاد حمایت است، نه بقای آن. ممکن است حق ترجمه به هر دلیل از جمله اعراض صاحب حق یا پایان مدت، حمایت خود را از دست بدهد، اما اثر ترجمه‌ای همچنان مورد حمایت باشد.

در صورتی که از حق ترجمه در حقوق ایران حمایت شود؛ یعنی در فرضی که اثر برای اولین بار در ایران منتشر شده است یا اینکه بین ایران و دولت متبوع پدیدآورنده عهدنامه متقابل برای حمایت از حق ترجمه وجود داشته باشد (ماده ۹ قانون مدنی)، قاعداً، برای ترجمه کردن باید از صاحب حق ترجمه، مجوز گرفته شود و می‌توان سه شخص را صاحب حق تصور کرد: پدیدآورنده اثر اصلی، ورثه وی و یا منتقل‌الیه قراردادی حق ترجمه (مانند ناشر).^۱

روشن است که در ایران با توجه به اینکه خارجی‌ان آثار خود را در ایران منتشر نمی‌کنند یا اگر منتشر کنند، برای اولین بار منتشر نمی‌کنند، حق ترجمه غالب آثار حمایت نمی‌شود و ترجمه آن‌ها آزاد است. آثاری را هم که ایرانیان برای اولین بار در ایران منتشر می‌کنند، عمدتاً به زبان فارسی است و کمتر رخ می‌دهد که این آثار به زبانی غیر از فارسی ترجمه و برای اولین بار در ایران منتشر شوند؛ هر چند که محال نیست! در نهایت، شاهد ترجمه‌های فراوانی در کشور هستیم.

در صورتی که قبل از خلق اثر ترجمه‌ای، از حق ترجمه حمایت نشود، اثر ترجمه‌ای برای خلق به مجوز نیازی ندارد. حمایت نکردن از حق ترجمه ممکن است در سه بازه زمانی رخ بدهد:

۱. از ابتدای خلق اثر اصلی، از حق ترجمه حمایت نشده است، چراکه اثر برای اولین بار در ایران بهره‌برداری نشده است.

۲. در جریان حمایت از اثر اصلی، ممکن است پدیدآورنده به سبب صرف نظر کردن از حق ترجمه، این حق را از دست بدهد. همچنین، حتی اگر حق ترجمه برقرار باشد، در شرایطی که پدیدآورنده مجوز نمی‌دهد، می‌توان با بهره‌گیری از نهاد مجوز اجباری، بدون اخذ

۱. در فرضی که منتقل‌الیه قراردادی، شخص حقیقی باشد، می‌توان ورثه وی را چهارمین مورد از مصادیق صاحبان حق ترجمه برشمرد.

مجوز (اما با پرداخت هزینه) اثر را ترجمه کرد. گفته می‌شود که پیوستن به کنوانسیون برن و لزوم رعایت حق ترجمه اصولاً افزایش قیمت آثار را در پی دارد؛ زیرا که مؤلفان و ناشران خارجی برای دادن اجازه ترجمه، مبالغ بالایی را آن هم به ارزش خارجی مطالبه می‌کنند. این دغدغه اقتصادی موجب شده بود تا کشورهای در حال توسعه رغبتی به عضویت در برن نداشته باشند. از این رو، در سند اصلاحی پاریس ۱۹۷۱، پیوستی به نفع کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شد تا با توسل به نهاد مجوز اجباری یادشده در این پیوست، با شرایطی، بدون اخذ مجوز از پدیدآورنده، آثار را ترجمه و تکثیر کنند.^۱

۳. در پایان، یعنی پس از انقضای مدت حمایت، حمایت خود را از دست می‌دهد. گفتنی است، حق ترجمه از منظر مقررات بین‌المللی ممکن است زودتر از سایر حقوق مؤلف به قلمرو عمومی وارد شود. مطابق «نظام دوره ده‌ساله» که در نسخه پاریس ۱۸۹۶ کنوانسیون برن آمده است، چنانچه از تاریخ نشر اثر تا مدت ده سال، ترجمه‌ای از اثر به زبان با کاربری عام در کشور دیگری از سوی مؤلف یا با اجازه وی صورت نگیرد، حق ترجمه مؤلف به آن زبان و در کشور مورد نظر با پایان یافتن این مهلت در قلمرو عمومی قرار می‌گیرد؛ ماده ۷ پیوست برن این اختیار را برای کشورهای در حال توسعه قائل شده است که از این سازوکار بهره ببرند (محمدزاده و ادقانی و آئی، ۱۳۹۸: ۱۸۴۷). همچنین در خود پیوست نیز، نظام دوره‌ای ده‌ساله پیش‌بینی شده است. تفاوت این نظام با نظام مذکور در نسخه پاریس، از این نظر است که در نسخه پاریس برای کشورهای توسعه‌یافته حق اعمال عمل متقابل پیش‌بینی شده است، در حالی که نظام ده‌ساله پیوست این حق را از این کشورها سلب می‌کند.

البته ممکن است که مترجم، خود پدیدآورنده اثر اصلی باشد. در این صورت هم واضح است که نیازی به اخذ مجوز نیست. برخی نظام‌های حقوقی در فرض اینکه مترجم شخصی متفاوت از پدیدآورنده است یا خود پدیدآورنده شخصاً اثرش را ترجمه می‌کند، از برخی جهات مانند بازه زمانی حمایت تفکیک قائل می‌شوند. اما، در ایران مدت حمایت از اثر ترجمه‌ای مستقل از اثر مورد ترجمه است و مانند هر اثری از زمان خلق اثر ترجمه‌ای آغاز می‌شود؛ فارغ از اینکه مترجم همان پدیدآورنده است یا غیر آن.

همچنین، ممکن است منبع اصلی که ترجمه می‌شود، فاقد حمایت و حق ترجمه باشد، اعم از

۱. بحث پیوست برن و مجوز اجباری ترجمه، به دقت و بررسی تفصیلی بیشتری نیاز دارد. با توجه به اینکه این مفهوم، عمدتاً در حقوق قراردادهای مؤلف و مترجم مطرح می‌شود و موضوع پژوهش پیش‌رو، بررسی چهره‌های ترجمه است، این بحث به فرصت‌های پژوهشی دیگری واگذار می‌شود.

اینکه اثر باشد و این حق به دلیلی مورد حمایت نباشد یا اینکه اصلاً اثر نباشد. برای مثال در بند ۴ ماده ۲ کنوانسیون برن به کشورهای عضو اختیار داده شده است که متون رسمی، اداری و قانونی (مانند متن قانون) و ترجمه آن‌ها را به‌عنوان اثر حمایت کنند یا نکنند. با توجه به اینکه آحاد جامعه در دسترسی به این متون، ذی‌حق و ذی‌نفع‌اند و دسترسی آزاد به آن‌ها ضرورت دارد، برخی کشورها این مقولات را حمایت نمی‌کنند تا تحت انحصار شخصی نباشند. حال اگر این متون ترجمه شوند، آیا ترجمه آن‌ها ممکن است به‌مثابه اثر در ایران شناسایی شود؟ قانون در این زمینه ساکت است و باید به قواعد عام مراجعه کرد. طبق قاعده‌ای کلی، هر آنچه اصالت داشته باشد و به طریقی از عالم ذهن خارج شده و شکل خارجی پیدا کرده باشد، اثر تلقی می‌شود و مستثنی کردن آن از شمول اثر، به تصریح قانون‌گذار نیاز دارد. پس به نظر می‌رسد، اگر کسی قانون مدنی فرانسه را در ایران به فارسی یا زبان دیگر ترجمه کند، اثری ترجمه‌ای آفریده است و مترجم صاحب حقوق مؤلف شده است. بنابراین، برای خلق اثر ترجمه‌ای لزوماً یک اثر ترجمه نمی‌شود؛ ممکن است منبع اولیه با لحاظ شرایط، اثر نباشد یا اثر فاقد حمایت باشد، اما آنچه خلق شده است، اثر ترجمه‌ای دانسته شود.

با وجود موارد مطرح‌شده، باید توجه داشت که حمایت از حقوق معنوی جهانی است و منوط به اولین انتشار اثر در یک سرزمین نیست. همچنین با عنایت به اینکه ترجمه بازنویسی متنی به زبان دیگر است، ممکن است ترجمه بد یا ناقص موجب تحریف محتوای اثر اصلی و نقض حق حرمت اثر بشود (Talagala, 2021: 13) و در صورت اعتراض پدیدآورنده اثر اصلی، حمایت از اثر ترجمه‌ای عملاً متوقف شود، هر چند که حق ترجمه مورد حمایت نبوده است!

۲-۳. شناسایی اثر ترجمه‌ای

حقوق ایران در حوزه شناسایی ترجمه به‌مثابه اثر و حقوق مترجم چالش‌های بیشتری نسبت به حق مالی ترجمه دارد، زیرا که هر دو قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ در این زمینه مقرراتی دارند و پرسش اصلی این است که جمع مقررات این دو قانون چگونه است؟! همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، برخی حقوقدانان بر این باورند که اختلاف چندانی بین این دو قانون نیست، چون در قانون ۱۳۴۸ صرفاً برای نقض اثر ترجمه‌ای ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده و حق مدنی برای مترجم شناسایی نشده است. اما اگر این نظر را بپذیریم، در همین حوزه (حمایت کیفری) با قانون ۱۳۵۲ اختلاف وجود دارد. افزون بر اینکه نویسندگان این پژوهش اثر ترجمه‌ای را حتی از لحاظ مدنی مورد حمایت قانون ۱۳۴۸ می‌دانند و اختلافات این دو قانون را بیش از ضمانت اجرای کیفری آن‌ها قلمداد می‌کنند، زیرا که:

۱. در ماده ۱ قانون ۱۳۴۸ قانون‌گذار در مقام تعریف اثر، هر آنچه را از راه دانش یا هنر یا ابتکار پدید آمده باشد، اثر می‌داند. واضح است که «اثر ترجمه‌ای» هم از راه دانش و هنر و ابتکار

به وجود می‌آید. «ترجمه سختی‌های متعددی دارد و به اشراف و احاطه کامل به دو زبان مبدأ و مقصد نیاز دارد. بنابراین ترجمه نیز بدون ابتکار مترجم به انجام نخواهد رسید» (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۴: ۸۵).

۲. ماده ۱ قانون ۱۳۴۸، پدیدآورنده را که موضوع اصلی این قانون است، شامل مؤلف و مصنف و هنرمند می‌داند، بی‌آنکه آن‌ها را تعریف کند. بنابراین با رجوع به مفهوم عرفی این واژگان درمی‌یابیم که مترجم هم مشمول این قانون است. مؤلف طبق تعریفی قدیمی، کسی است که آثار و نوشته‌های دیگران را در مجموعه‌ای گردآوری می‌کند، مانند تهیه‌کنندگان مجموعه‌های اشعار یا قوانین، اما مصنف کسی است که یک اثر از خود پدید آورده باشد و کار او کاملاً ابتکاری است، مانند نویسندگان رمان (صفایی، ۱۳۹۵: ۶۳). باید یادآور شد که تفکیک بین مؤلف و مصنف امروزه همواره رعایت نمی‌شود و چه بسا عنوان «مؤلف» را به هر دو دسته از نویسندگان اطلاق می‌کنند (همان: ۶۴). با این حال، چه با دیدگاه قدیمی نسبت به این دو عنوان، و چه با دیدگاه جدید، منطقی نیست اثری که از گردآوری و چینش آثار دیگران به دست آمده است مورد حمایت قانون باشد، اما آثار ترجمه‌ای را که خلاقیت بیشتری دارند، محروم از حمایت بدانیم.

۳. مصادیق مندرج در ماده ۲ این قانون تمثیلی‌اند و ذکر نکردن ترجمه در آن، به معنای خروج ترجمه از دامنه شمول این ماده نیست. از جمله دلایلی که در تمثیلی بودن این قانون می‌توان گفت این است که، مصادیق مندرج در قانون به منظور روشن ترشدن مفهوم اثر فکری است که از اندیشه محض خارج شده و به مرحله بیان رسیده است و ذکر مصادیق به منزله محدودکردن تعداد و دایره شمول آثار فکری نیست (شایسته، ۱۳۹۵: ۶۳). نحوه انشای مصادیق دوازده‌گانه در ماده ۲ به گونه‌ای است که اقتضای تفسیر موسع دارد. از عباراتی همچون «هر نوشته دیگر» و «به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد» و «از قبیل» این نکته استنباط می‌شود که هر اثری شرایط آثار ادبی و هنری را داشته باشد، مشمول حمایت قرار خواهد گرفت (پیلوار، ۱۳۹۵: ۲۰۱).

۴. حتی اگر بگوییم که آثار مذکور در ماده ۲ حصری‌اند،^۱ این امر مانع شمول حکم قانون به ترجمه نمی‌شود؛ زیرا که این عبارات اطلاق دارند، مثلاً واژه «کتاب» در بند ۱ ماده ۲، می‌تواند به معنای کتاب ترجمه شده باشد.

۵. کیفری بودن مقررات این قانون و اصل تفسیر مضیق حقوق کیفری مانع از شناسایی ترجمه

۱. برخی بر این باورند: «مانعی که بر سر راه این قانون وجود دارد تا از سرایت حمایت به موارد دیگر جلوگیری کرد، جزایی بودن آن است که نمی‌توان تفسیر موسع از آن به عمل آورد» (شورای عالی انفورماتیک، ۱۳۷۳: ۱۳۵).

به‌مثابه اثر نیست، زیرا که قانون‌گذار برای نقض ترجمه صراحتاً در ماده ۲۴ ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده است و اصل تفسیر مضیق هنگام تردید در وجود یا فقدان ضمانت اجرای کیفری جاری می‌شود، نه هنگامی که قانون صراحت دارد.

۶. جرایم حقوق مؤلف از جمله جرایم قابل گذشت هستند (مواد ۳۱ قانون ۱۳۴۸ و ۱۲ قانون ۱۳۵۲). این جرایم به شاکی خصوصی نیاز دارند و شاکی خصوصی کسی است که به سبب وقوع جرم مستقیماً زیان دیده باشد. پس احتمالاً مترجم، حق مدنی دارد که در صورت نقض آن، زیان دیده شناخته می‌شود و می‌تواند شکایت کیفری مطرح کند، وگرنه مبنای متضرر شدن او چه بوده است؟! متضرر شدن او چه بوده است؟!

۷. منطقی نیست که قانون‌گذار از انواع پدیدآورندگان و آثارشان حمایت مدنی و کیفری به عمل آورد، اما از مترجم و آثار ترجمه‌ای، صرفاً حمایت کیفری کند.

۸. اصالت نسبی و کم آثار ترجمه‌ای دلیل محکمی بر حمایت ضعیف قانون‌گذار ایران نیست، چرا که آثار مرکب و با اصالت نسبی دیگری نیز در قانون ۱۳۴۸ شناسایی شده‌اند که همچون آثار اصلی حمایت می‌شوند، مانند اقتباس‌ها. در قانون تجارت الکترونیک نیز هیچ تفاوتی میان این دسته از آثار و سایر آثار مشاهده نمی‌شود و صرف اینکه آثار به شکل داده‌پیام باشند برای حمایت در محیط الکترونیکی کافی است. از این رو، به نظر می‌رسد، صرفاً در مواردی که قانون به‌طور صریح حمایتی متفاوت برای ترجمه مقرر کرده است، باید قائل به تمایز بود؛ اما در سایر موارد، ترجمه نیز مانند دیگر آثار مشمول حمایت قانون است، نه اینکه آن را اثری فاقد مقررات حمایتی بدانیم.

۹. هدف از این قانون، حمایت از خلاقیت بوده است؛ همان‌طور که در مشروح مذاکرات مجلس آمده است: «تصویب این قانون برای حمایت از علم و هنر و صنعت است و تمام اشخاصی که دارای فنی هستند از حمایت این قانون استفاده خواهند کرد». واضح است که مترجمان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، نقش فزاینده‌ای در گسترش و ترویج دانش دارند و باید مشمول حمایت‌های این قانون باشند. بنابراین، باید از آن‌ها حمایت کافی به عمل آید تا انگیزه کافی برای خلق اثر ترجمه‌ای داشته باشند. با مشمول نشدن قانون ۱۳۴۸ بر ترجمه و خارج دانستن ترجمه از آن قانون، مترجم را از برخی حقوق که سایر پدیدآورندگان برخوردارند، محروم می‌کنیم (محمدزاده و اداقانی، ۱۳۹۹: ۳۸۰).

افزون بر این مبانی نظری، در عمل نیز قضات و دادگاه‌ها با قانون ۱۳۴۸ آشنایی بیشتری دارند و

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، نشست شماره ۱۳۱، مورخ ۱۳۴۸/۰۲/۱۱، ص ۱۷ و ۱۸، دسترسی‌پذیر در: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/47/Moz_22_131.pdf

قانون ۱۳۵۲ کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، که از جمله دلایل آن هم ابهام در برخی مفاهیم آن و نقص و ناکارآمدی مقررات آن است.

با این حال، برخلاف قانون ۱۳۴۸ که شناسایی اثر ترجمه‌ای در آن طبق برخی نظرها صراحت کافی ندارد، در قانون ۱۳۵۲ هیچ تردیدی وجود ندارد که اثر ترجمه‌ای و مترجم مورد حمایت قانون‌اند. در ماده ۱ این قانون از ترجمه به عنوان اثر و از مترجم به عنوان دارنده حقوق انحصاری یاد شده است و در سایر مواد نیز ضمانت اجرای حقوقی و کیفری نقض مشخص شده است. از این رو، دوگانگی احکامی را در حوزه ترجمه به عنوان اثر داریم که ضرورت طرح این بحث را پیش می‌کشد.

۲-۴. اختلافات قوانین ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ در زمینه اثر ترجمه‌ای

برخی از این اختلافات شامل تمام انواع آثار است و از آنجایی که ترجمه نوعی اثر است، شامل آن نیز می‌شود. اما برخی اختلافات صرفاً ناظر به اثر ترجمه‌ای در دو قانون است. در این بخش علاوه بر اینکه به این اختلافات اشاره می‌شود، قانون حاکم در هر مورد اختلافی نیز مشخص می‌شود.

۲-۴-۱. مصادیق حقوق اعطایی مصرح به مترجم

انواع حقوق اعطایی به مترجم در دو قانون متفاوت است. قانون ۱۳۴۸ به منزله قانون عام در این حوزه از پدیدآورندگان یاد می‌کند و تفاوتی میان پدیدآورندگان انواع آثار قائل نیست، اما قانون ۱۳۵۲ در زمینه حقوق مترجم صراحت دارد. به همین منظور ممکن است تصور شود که حقوق مترجم از شمول قانون ۱۳۴۸ خارج است، که پیش‌تر به این تصور نادرست پاسخ مستدل دادیم. در واقع نباید صرفاً قانون ۱۳۵۲ را حاکم بدانیم و مترجم را از داشتن حقوقی که سایر پدیدآورندگان مطابق قانون ۱۳۴۸ کسب می‌کنند، محروم کنیم. تصریح بر حقوق مترجم در قانون ۱۳۵۲ از باب تأکید بوده است، نه نوآوری این قانون نسبت به قانون پیشین. در نتیجه، از حقوق مالی و معنوی مترجم، مطابق قانون ۱۳۴۸ حمایت می‌شود. با توجه به تکمیلی بودن حمایت‌های قانون ۱۳۵۲ که از ماده ۱۱ آن برداشت می‌شود، اگر حقی در قانون ۱۳۴۸ ذکر نشده باشد و در قانون ۱۳۵۲ آمده باشد، برای مترجم قابل تصور است و در این زمینه، این قانون مکمل است، نه مخصص. با رجوع به ماده ۱ این قانون درمی‌یابیم که نوآوری و تکاملی نسبت به قانون ۱۳۴۸ در زمینه حقوق اعطایی ندارد و هر حقی که در این ماده آمده، در قانون ۱۳۴۸ نیز بوده است (حق تکثیر، تجدید چاپ، نشر، پخش و نام).

۲-۴-۲. ضابطه حمایت از حقوق مالی مترجم

همان‌طور که در بحث شناسایی حق ترجمه در این پژوهش توضیح دادیم، دو معیار برای حمایت

از حقوق مالی پدیدآورنده ذکر شده است. ماده ۲۲ قانون ۱۳۴۸ معیار اولین انتشار در ایران و قانون ۱۳۵۲ معیار تابعیت را برگزیده‌اند. از این لحاظ تفاوتی بین مترجم با سایر پدیدآورندگان نیست و مترجم باید اثر خود را اولین بار در ایران منتشر یا بهره‌برداری کند تا مورد حمایت قانون ۱۳۴۸ باشد. در غیر این صورت، با داشتن قیود مواد ۲ و ۶ قانون ۱۳۵۲ مورد حمایت خواهد بود؛ یعنی اگر مترجم ایرانی باشد، از تکثیر کتاب ترجمه‌ای وی در برابر افست و عکس‌برداری و طرق مشابه حمایت می‌شود و اگر مترجم خارجی باشد باید عهدنامه یا حمایت متقابل بین دولت متبوع او و ایران وجود داشته باشد تا از این امتیاز برخوردار باشد.

۲-۴-۳. معیار حمایت از حقوق معنوی مترجم

حقوق معنوی مطابق قاعده‌ای کلی، جهانی است؛ به این معنا که حمایت از آن منوط به هیچ تشریفاتی نیست. هر اثری از سوی هر شخصی و در هر جایی خلق یا منتشر شود، از حقوق معنوی بهره‌مند است. قانون ۱۳۴۸ هم مطابق همین قاعده است و در ماده ۴ مقرر کرده است: «حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست...». اما مطابق ظاهر قانون ۱۳۵۲، حقوق معنوی کتب، نشریات و آثار صوتی اتباع خارجه، جهانی نیست و حمایت از آن به معامله متقابل مذکور در ماده ۶ بستگی دارد. این به این دلیل است که در این قانون، حمایت‌ها به‌طور مطلق بیان شده‌اند و تفکیکی بین حمایت از حقوق مالی و حقوق معنوی قائل نمی‌شود. طبق ماده ۶: «در مورد تکثیر کتب و نشریات... حمایت‌های این قانون... به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است». دارنده حقوق معنوی در قانون ۱۳۵۲ صرفاً مترجم است که در ماده ۱ این قانون آمده است. حمایت از اثر ترجمه‌ای هم در این قانون فقط در صورتی است که طرف تابعیت ایرانی داشته باشد و قیود ماده ۲ قانون فراهم باشد. پس فرض حمایت از حق معنوی به شرط معامله متقابل صرفاً در فرضی است که مترجم تابعیت خارجی داشته باشد و اثرش را برای اولین بار در ایران منتشر نکرده باشد، اما میان دولت متبوع او و ایران عهدنامه متقابل وجود داشته باشد.^۱

۲-۴-۴. مدت حمایت از اثر ترجمه‌ای

مدت حمایت از اثر در ماده ۱۲ قانون ۱۳۴۸ ابتدا تا ۳۰ سال پس از فوت پدیدآورنده بود، اما در اصلاحات سال ۱۳۸۹، مدت حمایت تا ۵۰ سال پس از فوت پدیدآورنده افزایش یافته است. طبق ماده ۱ قانون ۱۳۵۲ مدت حمایت تا ۳۰ سال پس از فوت مترجم است. پرسش این است که مدت

۱. پس اگر چه هدف این قانون تکمیل نواقص قانون پیشین است، در این فرض خاص، به‌جای اعطای حمایت بیشتر، حمایت‌های قانون پیشین را زایل کرده است!

حمایت از حقوق مالی مترجم کدام است؟ استدلال برخی این است که در اصلاحیه ماده ۱۲ سال ۱۳۸۹ گفته شده است که حقوق مالی پدیدآورنده «موضوع این قانون»، تا ۵۰ سال پس از فوت پدیدآورنده مورد حمایت است. مجلس دید کلی و جامعی از مقررات مالکیت ادبی و هنری و مدت حمایت از حقوق مؤلف نداشته و از این رو فقط ماده ۱۲ قانون ۱۳۴۸ و تبصره آن را اصلاح کرده است. بنابراین در موارد خاصی که مدت حمایت دیگری در قوانین موضوعه ذکر شده، همان مدت همچنان باقی است و این ناشی از فقدان جامع‌نگری و نداشتن دید کلی از قوانین مالکیت ادبی و هنری در قوه مقننه بوده است (صفایی، ۱۳۹۷: ۸).

اگر بگوییم ماده ۱۲ اصلاحی قانون ۱۳۴۸ صرفاً درصدد افزایش مدت حمایت آثار موضوع قانون ۱۳۴۸ بوده است (آن هم نه همه آنها)^۱ و ارتباطی با تمام آثار و قوانین مالکیت ادبی و هنری ایران ندارد و از این لحاظ مدت حمایت در قانون ۱۳۵۲ تغییری نکرده است، باز هم خدشه‌ای به افزایش مدت حمایت از آثار ترجمه‌ای وارد نمی‌کند؛ زیرا به نظر می‌رسد ترجمه مشمول حمایت قانون ۱۳۴۸ است و با افزایش مدت حمایت آثار مورد حمایت این قانون، اثر ترجمه‌ای هم در پی این افزایش، مدت حمایت بیشتری پیدا می‌کند.

۲-۴-۵. مدت مالکیت منتقل‌الیه

مطابق ماده ۱۴ قانون ۱۳۴۸ طرف قرارداد با پدیدآورنده، حداکثر تا ۳۰ سال پس از انتقال حقوق مالی از سوی پدیدآورنده (مترجم) صاحب حقوق است و پس از آن، این حقوق خودبه‌خود به دارایی پدیدآورنده اثر یا ورثه وی بازمی‌گردد. طبق قانون ۱۳۵۲، طرف قرارداد حقوق مالی اثر ترجمه‌ای برای بقیه مدت، صاحب حقوق مالی خواهد بود؛ یعنی از زمانی که دریافت می‌کند تا پایان ۳۰ سال پس از فوت مترجم. بنا بر اصل تفسیر به نفع پدیدآورنده در قراردادهای حقوق مؤلف، و اینکه مترجم هم نوعی پدیدآورنده است، حاکم‌دانستن مقررۀ قانون ۱۳۴۸ که در آن حقوق مالی صرفاً برای ۳۰ سال متعلق به طرف قرارداد است، نه ۳۰ سال پس از مرگ مترجم، با اصول قراردادهای مؤلف هماهنگ‌تر است (محمدی، ۱۴۰۲).

۲-۴-۶. ضمانت اجرای کیفری

برای فهم بهتر مطالب، ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق معنوی و مالی مترجم، جداگانه، مطرح می‌شوند:

۱. برای مثال مدت حمایت از آثار موضوع ماده ۱۶ آن قانون، ۳۰ سال است.

الف. ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق معنوی مترجم

ضمانت اجرای نقض حقوق معنوی پدیدآورنده به‌طور عام در مواد ۲۳، ۲۴ و ۲۵ قانون ۱۳۴۸ بیان شده است. ماده ۲۳ مطلقاً از پدیدآورنده یاد می‌کند، اما ماده ۲۴ اختصاص به مترجم دارد. ماده ۲۵ ضمانت اجرای تخلف از مواد ۱۷ الی ۲۰ قانون است. از میان این مواد، مواد ۱۸ و ۱۹ در زمینه نقض حقوق معنوی هستند. نقض حق معنوی «نام» در ماده ۱۸ و نقض حق معنوی «تمامیت» در ماده ۱۹ آمده است. پرسشی که پیش می‌آید این است که تفاوت ماده ۱۸ با مواد ۲۳ و ۲۴ چیست؟ باید گفت نقض حق معنوی نام به سه صورت رخ می‌دهد: نیاوردن نام پدیدآورنده، آوردن نام شخص ناقص به جای پدیدآورنده، و آوردن نام شخص ثالثی به جای پدیدآورنده. ماده ۱۸ در مورد نیاوردن نام پدیدآورنده و مواد ۲۳ و ۲۴ در مورد آوردن نام شخص ناقص یا ثالث به جای پدیدآورنده و مترجم است. همچنین ماده ۱۸ در مورد صرف نقض حق معنوی نام است، اما مواد ۲۳ و ۲۴ در خصوص نقض حق مالی و معنوی است، یعنی ناقص حق مالی، حق معنوی را هم نقض کرده است؛ ذکر عبارت «اجازه استفاده یا استناد... به منظور انتفاع...» در ماده ۱۸ و «بدون اجازه...» در ماده ۲۳ و ۲۴ مؤید این استدلال است.

تفاوت مواد ۲۳ با ۲۴ نیز جدای از اینکه ماده ۲۳ درباره تمام پدیدآورندگان و ماده ۲۴ درباره مترجمان است، این است که در ماده ۲۴ صرفاً چاپ و نشر و پخش ترجمه به نام ناقص یا ثالث جرم‌انگاری شده است، اما در ماده ۲۳ نشر یا پخش یا عرضه اثر علاوه بر اینکه به نام ناقص و ثالث جرم است، به نام خود پدیدآورنده بدون اجازه او نیز جرم است (صرف نقض حق مالی بدون نقض حق معنوی).

با توجه به اینکه ما آثار ترجمه‌ای را مشمول قانون ۱۳۴۸ می‌دانیم، پس مترجم از حق معنوی تمامیت مذکور در ماده ۳ و ۱۹ قانون ۱۳۴۸ بهره‌مند است و در نتیجه نقض این حق مطابق با ماده ۲۵ این قانون، سه ماه تا یک سال حبس است.^۱

با این توضیحات، ضمانت اجرای نقض حقوق معنوی مترجم در قانون ۱۳۴۸ به این شرح است:
 ۱. برابر با ماده ۲۴ «سرقت ادبی» به صورت انتشار ترجمه به نام ناقص یا ثالث جرم است و مستوجب سه ماه تا یک سال حبس است.

۱. رویه قضایی متمایل است که در راستای سیاست حبس‌زدایی، از مجازات حبس ناقضان حقوق مترجمان اجتناب کند. از این رو، به استناد بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ به جزای نقدی رأی می‌دهد. مطابق این ماده: «هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد».

۲. «سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر، ولو به صورت ترجمه» (تبصره ماده ۶ قانون مطبوعات). بنابراین نیاوردن نام پدیدآورنده بر اثر، اگرچه نقض حق معنوی نام و بعضاً جرم است، عنوان «سرقت ادبی» ندارد.

۲. ذکر نکردن نام مترجم یا هیچ شخص دیگری به جای مترجم (انتشار بدون نام)، برابر ماده ۱۸ جرم است و برابر ماده ۲۵ مستوجب سه ماه تا یک سال حبس است.
۳. نقض حق تمامیت یادشده در ماده ۱۹ جرم است و مطابق ماده ۲۵ مستوجب سه ماه تا یک سال حبس است.

مواد ۱ و ۷ قانون ۱۳۵۲ تکثیر، نشر و پخش ترجمه غیر بدون اذن مترجم را جرم دانسته‌اند و در این خصوص برخلاف قانون ۱۳۴۸، تفکیکی بین فروض مختلف قائل نیستند. بنابراین می‌توان گفت انتشار ترجمه حتی به نام مترجم نیز جرم است. مجازات مقرر در این قانون سه ماه تا یک سال حبس است. لذا قانون ۱۳۵۲ توسعه‌ای در جرم‌انگاری نسبت به ماده ۲۴ قانون ۱۳۴۸ داشته است، بدون آنکه در مجازات مقرر تفاوتی قائل شود (حاجی ده‌آبادی و عالمی طامه، ۱۳۸۷: ۷۳).

ب. ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق مالی مترجم

نقض حقوق مالی فرع بر شناسایی حقوق مالی است. با توجه به اینکه ما قائل به حاکم بودن قانون ۱۳۴۸ بر ترجمه و اعطای حقوق مالی مذکور در آن قانون به مترجم هستیم، لذا نقض حقوق مالی مترجم هم مطابق آن قانون قابل استناد است. بنابراین اگرچه ماده ۲۳ قانون ۱۳۴۸ اطلاق دارد و در خصوص «اثر» است، و ترجمه هم نوعی اثر است، اما به علت تصریح ماده ۲۴ نسبت به ترجمه و کیفری بودن این مواد، تردید پیش می‌آید و باید به سراغ تفسیر مساعدتر به حال متهم رفت. از این رو، صرفاً ماده ۲۴ که هم تصریح نسبت به ترجمه دارد و هم مجازات کمتری دارد، حاکم است.

ماده ۲۴ هم در زمینه نقض حق مالی است و هم نقض حق معنوی، اما در مورد صرف نقض حقوق مالی مقررهای در قانون ۱۳۴۸ یافت نمی‌شود. در حالی که در ماده ۷ قانون ۱۳۵۲ گفته شده است: «کسانی که خلاف مقررات مواد ۱ و... عمل کنند» مجرم هستند. ماده ۱ نیز در بردارنده برخی حقوق انحصاری برای مترجم است و باید گفت که مطابق قانون ۱۳۵۲، صرف نقض حقوق مالی مترجم که عبارت است از «انتشار بدون اجازه ترجمه، به نام خود مترجم» جرم است.^۱

۱. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، قانون تجارت الکترونیک علاوه بر آنکه تفکیکی میان انواع آثار قائل نشده، شیوه حمایتی جدیدی نیز برای آثار الکترونیکی قائل نشده است؛ شرط حمایت از این آثار، تبلور در قالب داده‌پیام و نحوه حمایت نیز همانند قوانین سابق است. با این حال، در ماده ۷۴ این قانون می‌توان ردپای کم‌رنگی را از نوآوری قانون‌گذار مشاهده کرد. در این ماده، تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) تمام آثار، اعم از اینکه در قالب داده‌پیام باشند یا غیر آن، در صورتی که در بستر مبادلات الکترونیکی انجام شود، جرم است و مجازات آن سه ماه تا یک سال و جزای نقدی به میزان ۵۰ میلیون ریال خواهد بود. با توجه به اینکه نقض حقوق مؤلف از جمله حقوق مترجم، در چنین بستری پیامدهای مخرب‌تری نسبت به محیط فیزیکی دارد، و جرم و مجازات باید متناسب با هم باشند،

۲-۴-۷. ضمانت اجرای حقوقی

هر دو قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ به ضمانت اجرای پیشینی اشاره کرده‌اند؛ با این تفاوت که قانون ۱۳۴۸ در ماده ۲۹ از عبارت «مراجع قضایی می‌توانند...» استفاده کرده، اما قانون ۱۳۵۲ در ماده ۹ از عبارت «مراجع قضایی مکلف‌اند...» استفاده کرده است. اما واضح است که در عمل، دادگاه‌ها درگیر این الفاظ نمی‌شوند و به درخواست متقاضی، نسبت به جمع‌آوری آثار ترجمه‌ای نقض شده حکم صادر می‌کنند.

در خصوص ضمانت اجرای پسینی و نحوه جبران خسارت در قانون ۱۳۴۸ صرفاً در ماده ۲۸ اشاره شده است: «هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد، علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارت شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود». این مقرر عیناً در ماده ۸ قانون ۱۳۵۲ نیز تکرار شده است. علاوه بر آن، در ماده ۷ قانون ۱۳۵۲ که ناظر بر ضمانت اجرای کیفری است، بدون اینکه تفکیکی بین شخص حقیقی و حقوقی قائل باشد، به‌طور کلی، اشاره‌ای به خسارت شاکی خصوصی شده است.^۱ خلاصه‌های هر دو قانون را می‌توان با استفاده از قواعد عام مسئولیت مدنی جبران کرد، مانند اینکه هر دو قانون به جبران خسارت پولی نظر دارند، در صورتی که جمع‌آوری آثار ناقص حق نیز یکی از روش‌های جبران خسارت است که در این دو قانون به منزله اقدامی تأمینی و احتیاطی بیان شده است.

در این بین، بهتر است به دادنامه^۲ ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۹۲۰۰۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۰ صادره از شعبه ۵۴ دادگاه عمومی حقوقی بدوی استان تهران^۳ اشاره‌ای بشود. در این پرونده، کتابی به زبان انگلیسی متعلق به خواهان بود که در حقوق ایران حمایت می‌شد، اما خواننده بدون اخذ مجوز از خواهان، آن را به زبان فارسی ترجمه کرده بود. دادگاه، علاوه بر اشاره به مستندات قانونی و لزوم اخذ اجازه ترجمه بر مبنای قانون، اشاره کرد که با توجه به سهولت استفاده از ترجمه کتاب‌های خارجی و اقبال عموم افراد جامعه از آن، فروش بیشتر کتاب‌های ترجمه‌شده امری مسلم و بدیهی است و در نتیجه ورود خسارت به خواهان نیز اظهر من الشمس است. سرانجام با استناد به ماده

قانون‌گذار به مجازات جزای نقدی نیز در کنار حبس اشاره کرده است تا بازدارندگی بیشتری ایجاد شود. با این حال، می‌توان به این ماده قانونی انتقاد وارد کرد؛ اینکه این مقرر صرفاً در مقایسه با نقض حقوق مترجم اصل تناسب جرم و مجازات را رعایت کرده است، اما در سایر حقوق مؤلفان (غیر از حقوق مترجم) با توجه به اینکه مجازات نقض حقوق، حبس از شش ماه تا سه سال است، این اصل رعایت نشده است.

۱. «اشخاصی که عالماً عامداً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند علاوه بر تأدیه خسارت شاکی خصوصی...».

۲. به نقل از: (کارچانی، ۱۳۹۶).

۱ قانون ۱۳۵۲ و مواد ۲ و ۴ و ۶ قانون ۱۳۴۸ به نفع خواهان رأی صادر شد. این نحوه استنادکردن قابل انتقاد است؛ چراکه این مقررات از لحاظ موضوعی متفاوت با یکدیگرند. ماده ۱ قانون ۱۳۵۲ دربردارنده حقوقی برای مترجم است، حال آنکه در این پرونده، تصمیم بر محکوم کردن مترجم بوده است، نه شناسایی حقوقی برای وی!

۲-۴-۸. بهره‌برداری‌های آزاد

در هر دو قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ استثنائات حقوق مؤلف به حق تکثیر اثر وارد شده است، اما هدف از تکثیر آزاد در این دو قانون متفاوت است. مضافاً اینکه آثار موضوع تکثیر آزاد در قانون ۱۳۵۲ محدود به کتب، نشریات و آثار صوتی است. هدف از تکثیر آزاد در قانون ۱۳۴۸ عبارت است از نقل قول (ماده ۷) استفاده کتابخانه‌ای (ماده ۸) و استفاده شخصی و خصوصی. در قانون ۱۳۵۲ در ماده ۵ از استثنا با هدف استفاده آموزشی و پژوهشی و تحقیقاتی و در تبصره همان ماده از استثنا با هدف استفاده شخصی و خصوصی یاد شده است. واضح است که استثنائات با هدف ایجاد توازن بین منافع عمومی و منافع پدیدآورنده وضع می‌شوند و نباید به بهای شناسایی امکان بهره‌برداری آزاد، حقوق پدیدآورندگان زایل شود. از این رو، در هر دو قانون بر لزوم بهره‌برداری غیرانتفاعی و بدون مقاصد تجاری تأکید شده است. همچنین، در قانون ۱۳۵۲، علاوه بر این‌ها به لزوم اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و هنر (وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی کنونی) اشاره شده است که چنین مقرره‌ای در قانون ۱۳۴۸ یافت نمی‌شود. در حدود قیود این مواد، می‌توان از اثر ترجمه‌ای تکثیر آزاد کرد و مقررات این دو قانون در این زمینه قابل جمع هستند.

نتیجه‌گیری

ترجمه نقش فزاینده‌ای در ترویج دانش و گسترش جنبه‌های گوناگون ارتباطات ملل مختلف دارد. از این رو، دانش حقوق در دو قالب حق ترجمه و اثر ترجمه‌ای از آن حمایت می‌کند. به این منظور پدیدآورنده اثر ادبی می‌تواند شخصاً اثرش را ترجمه کند یا به مترجمان اجازه خلق اثر ترجمه‌ای بدهد. اما در مواردی نیز ممکن است این دو چهره از ترجمه با هم ملازمه نداشته باشند، و بدون توجه به حق ترجمه، اثر ترجمه‌ای پدید بیاید؛ مانند مواردی که حق ترجمه‌ای در منبع اصلی وجود ندارد یا به عللی مانند انقضای مدت حمایت، بهره‌برداری نشدن در ایران، اعراض از آن و از این قبیل موارد، حمایت نشود.

در ایران دو قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ احکامی در زمینه ترجمه دارند و این دوگانگی احکام موجب شده است نظام حقوقی ترجمه با چالش و ابهام مواجه شود. با بررسی این دو قانون به این نتیجه

رسیدیم که قانون ۱۳۴۸ حق ترجمه را به مثابه یک حق مالی شناسایی کرده است و این حق، مانند سایر حقوق مالی مندرج در این قانون، هنگامی حمایت می‌شود که اثر برای نخستین بار در ایران منتشر شده باشد. قانون ۱۳۵۲ ارتباطی با حق ترجمه ندارد و صرفاً در ماده ۲ معیار حمایت از حق تکثیر توسعه پیدا کرده است و به تابعیت پدیدآورنده تبدیل شده است. در خصوص اثر ترجمه‌ای، در قانون ۱۳۴۸ به روشنی ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است و در قانون ۱۳۵۲ صراحتاً حمایت‌های حقوقی در کنار حمایت‌های کیفری به عمل آمده است. با توجه به هدف از تصویب قانون ۱۳۴۸ که حمایت از دانش و ترویج فرهنگ بوده است، و عموم و اطلاق عبارات مندرج در این قانون، ترجمه به عنوان اثر هم مورد حمایت قانون ۱۳۴۸ است و مترجم هم بنا بر ابتکار عمل خود نوعی پدیدآورنده است. این حمایت در پی تصویب قانون ۱۳۵۲ نسخ نشده است، چراکه در ماده ۱۱ آن قانون مقرر شده است که حمایت‌های این قانون در هیچ موردی حقوق مندرج در قانون ۱۳۴۸ را نفی و محدود نمی‌کند. در نتیجه این قانون در صدد حمایت تکمیلی از مؤلفان بوده است و به طور کلی، اثر ترجمه‌ای مورد حمایت مدنی و کیفری قانون ۱۳۴۸ است و اگر در فروض خاصی مقررهای در قانون ۱۳۴۸ نباشد، طبق قانون ۱۳۵۲ عمل می‌شود.

قانون تجارت الکترونیک ۱۳۸۲ نیز از این دو چهره از ترجمه، بدون تصریح به آن‌ها، صرفاً در صورتی که اثر در قالب داده پیام باشد، با ارجاع به قوانین سابق و به همان روش سنتی حمایت می‌کند. در هر حال، تصویب قانون جامعی در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری و بررسی بحث حمایت از حق ترجمه و اثر ترجمه‌ای در آن قانون، می‌تواند از ابهامات و پراکندگی مقررات کنونی بکاهد.

منابع

۱. آموزگار، مریم. (۱۳۸۳). آثار حقوقی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در خصوص حق مؤلف، رساله برای دریافت درجه دکتری حقوق خصوصی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. آیتی، حمید. (۱۳۷۵). حقوق آفرینش‌های فکری با تأکید بر حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری، تهران: حقوقدان.
۳. اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۴). آثار مورد حمایت در حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری ایران و شرایط آن، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۸.
۴. امامی، اسدالله. (۱۳۹۶). حقوق مالکیت معنوی، چاپ پنجم، تهران: میزان.
۵. پیلوار، رحیم. (۱۳۹۵). موضوع‌شناسی مالکیت فکری، فصلنامه تخصصی دین و قانون، شماره ۷.
۶. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و عالمی طامه، محمد مهدی. (۱۳۸۷). جرایم علیه مالکیت فکری در قوانین کیفری ایران و مقررات بین‌المللی، فصلنامه حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۲۰.
۷. حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۸). بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳.
۸. دادنامه ۱۷۱۱/۲۲۳۸۰/۹۱۰۹۹۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۹ صادره از شعبه ۳۸ دادگاه عمومی کیفری تجدیدنظر استان تهران، دسترسی‌پذیر در: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/1401>

۹. دادنامه ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۹۲۰۰۰۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۰ صادره از شعبه ۵۴ دادگاه عمومی حقوقی بدوی استان تهران، به نقل از: کارچانی، مهدی. (۱۳۹۶). مطالبه ضرر و زیان ناشی از نقض حق ترجمه اثر، فصلنامه رأی، دوره ۶، شماره ۱۸.
۱۰. زرکلام، ستار. (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ اول، تهران: سمت.
۱۱. شایسته، شوکت. (۱۳۹۵). نگاهی به حقوق مالکیت ادبی و هنری در اسناد بین‌المللی، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال ۶۶، شماره ۲۳۳-۲۳۲.
۱۲. شورای عالی انفورماتیک. (۱۳۷۳). حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۱۳. شیخی، مریم. (۱۳۸۴). ضمانت اجرای حقوق مالکیت ادبی و هنری در حقوق ایران و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۰ و ۵۱.
۱۴. صاحب‌طیبه. (۱۴۰۳). تأثیر ترجیح برگزیدگان سیاسی بر کیفیت قانون‌گذاری در حوزه حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای در ایران، دو فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، دوره ۱، شماره ۱.
۱۵. صادقی، محمود. (۱۳۸۹). بررسی معاهدات بین‌المللی و مقررات موضوعه ایران در زمینه حقوق مرتبط، مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی - هنری و حقوق مرتبط، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۶. صادقی نشاط، امیر. (۱۳۸۹). حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری، چاپ دوم، تهران: میزان.
۱۷. صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۷). مدت حمایت از حقوق اقتصادی مؤلف در قوانین موضوعه و لایحه حمایت از مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، دو فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی مالکیت فکری، دوره ۱، شماره ۱.
۱۸. صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۵). حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ چهارم، تهران: میزان.
۱۹. علوی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۷۹ و آیین‌نامه اجرایی آن، مجموعه مقالات گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).
۲۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. کرون، ماری؛ دولامبرتوری، ایزابل؛ سیرنلی، پیر و والر، کاترین. (۱۳۹۰). فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت، ترجمه و توضیح: علی‌رضا محمدزاده و ادقانی و پژمان محمدی، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. گریاود. (۱۳۸۰). الفبای حقوق پدیدآورنده، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران: خانه کتاب.
۲۳. محسنی، سعید و قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی. (۱۳۹۴). حقوق ادبی و هنری (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه و مصر)، مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی.
۲۴. محمدزاده و ادقانی، علی‌رضا. (۱۳۹۹). برداشتی از قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
۲۵. محمدزاده و ادقانی، علی‌رضا و آبی، مهدی. (۱۳۹۸). مزایا و آثار حقوقی پیوست ایران به معاهده برن و پیوست آن مصوب ۱۹۷۱ پاریس، مجموعه مقالات همایش ملی تجلیل از مقام علمی استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه‌های حقوقی بهار، شماره ۲.
۲۶. محمدی، پژمان. (۱۳۸۸). اصالت؛ شرط پیدایش اثر، مجله حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۱۵.
۲۷. محمدی، پژمان. (۱۴۰۲). تقریرات درس حقوق مالکیت ادبی و هنری ۱، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.
۲۸. میرحسینی، سیدحسن. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، چاپ یازدهم، تهران: میزان.

29. Bently, L. and Sherman, B. (2001). *Intellectual Property Law*, London: Oxford University Press.

30. European Commission. (2014). *Studies on translation and multilingualism: Translation and intellectual property rights*.

31. Goldestin, P. (1982). *derivative rights and glerivative works in copyright*.

32. Ricketson, S. (1987). **The Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works: 1886–1986**, London: Centre for Commercial Law Studies, Queen Mary College/Kluwer.
33. Talagala, C. (2021). **Copyright Law and Translation Access to Knowledge in Developing Economies**, New York: Routledge.
34. Tong, K. L. (2020). “**Translation and copyright: towards a distributed view of originality and authorship**”, *The Translator*, Vol. 26, No. 3.
35. Troussel, J.-C. and Debussche, J. G. (2014). **Translation and intellectual property rights. Report by Bird & Bird for the European Commission DG Translation**, Luxembourg: European Commission.